

سخن روز

بحران‌های پیش‌روی اصلاح‌طلبان

سیدهدادی عظیمی– فعال سیاسی اصلاح‌طلب

آیا اصلاح‌طلبان با بحران روبه‌رو هستند؟ شایددر نظر عده کثیری این‌گونه نباشد و بیشتر اردوگاه اصولگرایان را بحران زده قلمداد کنند . پیروزی‌های متوالی اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری سال۹۲ . مجلس در سال ۹۴ و ریاست جمهوری ی و شوراهای شهر و روستا در سال ۹۶ باعث شده که برخی اصلاح‌طلبان باور به بحران و یا امکان آن در اردوگاه اصلاحات را با دیده تردید بنگرند.

امروز اسطوره نظریه اصلاحات در بخش زیادی از جامعه به مثابه یک تصور اجتماعی خواسته‌های آن‌ها را نمایندگی می‌کند و پیروزی اصلاح‌طلبان نیز م‌رھون همین عمومی شدن تصور اجتماعی است که موجب اعتماد مردم به نامزدها و لیست‌های اصلاح‌طلبی می‌شود.

اما هنگامی‌که این تصور اجتماعی توان پاسخگویی خود به مطالبات و انتظارات مورد نظر مردم را از دست دهد، طبیعی است که با بحران دست به برقراری نظم سیاسی می‌شود. از این رو بحران‌های پیش روی اصلاح‌طلبان دقیقا در نقطه‌ای که امروز نقطه قوت آن‌هاست رخ خواهد داد و همان‌جایی که مردم به اصلاح‌طلبان اعتماد می‌کنند به پاشنه آشیل آن‌ها تبدیل گردد .

پاسخ به این سوال که اصلاح‌طلبان در صورت ناتوانی از پاسخ گویی به مطالبات و برقراری نظم سیاسی مورد نظر خود با چه بحران‌هایی روبه‌رو می‌شوند از توان اندک نگارنده و ظرفیت این یاداشت خارج است ولی براساس یک صورت‌بندی اجمالی می‌توان مهم‌ترین بحران‌های پیش‌روی اصلاح‌طلبان را به شرح زیر خلاصه کرد:

۱) ناتوانی در حل مطالبات:
گفتمان اصلاح‌طلبی مانند هر گفتمانی در پی مطالبات موجود در جامعه شکل گرفته و با ارائه راهکارهایی برای حل مطالبات موجود کوشیده است یک عینیت اجتماعی عرضه کند.

عینیتی که جامعه ایران در بسیاری موارد در طول بیست سال گذشته آن را با رای خود تأیید کرده و اگر اصلاح‌طلبیان و گفتمان اصلاحات در حل آن مطالبات خود را ناتوان نشان دهند، روزهای سختی در پیش رو خواهند داشت.

۲) اشرفیات اصلاح‌طلبانه:
گفتمان اصلاحات براساس نگرشی مساوات‌طلبانه ظهور کرد و یکی از دال‌های اساسی آن برابری حقوق همه شهروندان و برابری فرصت‌ها برای همگان بوده است. حال اگر خود به افرادی دچار شود که با خودب‌ترتیبینی جایگاهی والاتر از نقد و بررسی برای خود در نظر بگیرند یا به دلیل داشتن ژن برتر از فرصت‌های نابرابر برخوردار باشند ، به‌تدریج زمینه به محاق رفتن اصلاح‌طلبی فراهم می‌شود.

ساختار اصلاح‌طلبی نیز نمی‌تواند مصون از بروز روحیه اشرفایی گری باشد . ساختارهای کلان اصلاح‌طلبان همچون شوروی عالی سیاست‌گذاری تاکنون توانسته‌اند عامل موفقیت باشند اما فقدان روندهای دموکراتیک و شفاف در تصمیم‌گیری اگر به نقطه‌ای برسد که حق ویژه‌ای برای عده‌ای خاص قائل باشد نقیض یکی از دال‌های اساسی اصلاح‌طلبی است .

۳) وحدت یا کسرت:
اصلاحات به عنوان یک گفتمان فراگیر از طیف‌های متفاوتی تشکیل شده است. شرایط زمانه موجب شد که اصلاح‌طلبان بر اساس عقایدت، حضور در کنار یکدیگر را بر افتراق و جدایی ترجیح دهند و تشکیل نهادهایی مانند شورای عالی سیاست‌گذاری توانست به موفقیت در انتخابات مجلس و شوراها بینجامد.

. اما اگر گفتمان اصلاحات که مدافع آزادی بیان و لزوم نقادی است کثرت را فدای وحدت کند و وجود طیف‌های متنوع و اندیشه‌های متفاوت رادر درون خود نپذیرد زمینه اضمحلال تدریجی خود را فراهم کرده است .

وجود وحدت گفتمانی میان اصلاح‌طلبان براساس آنچه برخی اندیشمندان آن را عادی سازی در برابر استثناء طلبی می‌نامند(محمد مهدی مجاهدی ، مثلث عادی سازی در برابر استثناء طلبی ، مهرنامه ، شماره ۵۲)الزامی است اما اگر وحدت نتواند کثرت را به رسمیت بشناسد؛ موجب بروز گرایش‌های گریز از مرکز می‌شود .

۴) قدرت یا جامعه:
در بین اصلاح‌طلبان عده‌ای اولویت را در کسب قدرت سیاسی می‌دانند و برای تصدی کرسی‌های مدیریتی سر از پا نمی‌شناسند. در مقابل عده‌ای با تأکید بر نقش جامعه و اصلاح‌طلبی مبتنی بر جامعه اولویت را تجویز فکری و سیاسی جامعه در جهت پروژه اصلاح‌طلبی می‌دانند.
ظهور برخی تشکل‌ها که اصاحت تلاش خود را برای کسب مقام‌های مدیریتی انجام داده و به گفتمان اصلاحات به چشم نردبان قدرت می‌نگرند زمینه تهی‌شدن فکری جریان اصلاح‌طلبی و ناتوانی آن در بازتولید معرفتی و کاهش ارزش و اعتبار آن در نزد عموم مردم را می‌گردند. لزوم توجه همزمان به کسب قدرت و فعالیت اجتماعی و پیگیری سیاست متوازن در این زمینه از بحران فوق جلوگیری می‌کند .

۵) ننگه ابزاری به مردم:
رهبر فقید انقلاب، امام خمینی (ره)جمله معروفی داشتند که مردم با هیچ کس عقد اخوت نبسته اند . این جمله گویاترین کلام دراین زمینه است. مردم اگر احساس کنند جریانی قصد دارد از طریق کسب رای آن‌ها به منافع خود برسد آن جریان را تنها می‌گذارد.

گفتمان اصلاح‌طلبیی در صورتی می‌تواند جایگاه خود را در نزد عمومی مردم حفظ کند که به جایگاه بی‌بدیل مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی توجه داشته باشد و از رفتارهای ابزارگرانه دراین زمینه خودداری نماید .

۶) فساد اداری و اقتصادی:
فساد همزاد با قدرت است و اگر قدرتی کنترل نشود به محل بروز فساد تبدیل می‌شود .

اصلاح‌طلبان اگر برملمکرد خودنظارت نکرده و با هر نوع فساد در بین خود مبارزه نکنند؛ با بحران اعتبار در نزد مردم روبه‌رو می‌شوند و توان و پویایی خود را از دست می‌دهند .

۷) بی‌توجهی به حرکت تدریجی:
اصلاح‌طلبان در حرکت خود در سطح کلان و خرد و چه در روابط درونی خود نمی‌توانند به مهم‌ترین ویژگی اصلاح‌طلبی یعنی حرکت تدریجی بی توجه باشند. گاهی در مناسبات میان اصلاح‌طلبان مسائلی به وجود میاید که عده‌ای عنان از کف می‌دهند و رویکرد حذف و گاه تخطئه را بر رویکرد اصلاحی ترجیح می‌دهند .

هر رفتار انسانی با خود نقد و آسیب‌هایی همراه دارد. برای مثال می‌توان به لیست اصلاح‌طلبان درانتخابات شوراها و مجلس انتقاد کرد ولی اگر این انتقاد همراه با رویکرد اصلاحی و حرکت تدریجی در جهت اصلاح آن روندها نباشد می‌تواند آثار خسارت‌باری به وجود آورد .

شرایط اجتماعی همواره بی‌قرار و در تلاطم و دگرگونی است. رفتارهای کنشگران سیاسی و اجتماعی و جریان‌های موجود در سپهر اجتماعی می‌کشوند تا در برابر بحران‌ها و ناپسانمائی‌ها خود را طرح و در برابر بحران‌های جدید بازتولید نمایند. هر گفتمانی که توان بازتولید خود را از دست دهد با گفتمان جایگزین روبه‌رو می‌شود. بحران‌ها همواره با هم در تماس‌اند و می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند.

احمد منتظری:

مردم از اعمال رهبران خود التکو می‌گیرند



شهرداری تهران به اشخاص نامعلوم، تصریح کرد: بخشی از ساختمان‌های اداری به خصوص ساختمان شرکت سرمایه‌گذاری، واقع در خیابان آفریقا در حال واگذاری است. برخی از ساختمان‌های بزرگ‌مقیاس هم در قبالب بدهی‌های شهرداری با دست‌گاه‌های مختلف تهاتر می‌شوند. همچنین یک سری تعهدات جدید نیز در حال شکل‌گیری است که نمونه‌اش همان واگذاری مراکز بهاران به قرارگاه جهادی امام (رضاع) است. او با تأکید بر اینکه مدیری که در حال ترک مجموعه‌ای است، نباید قرارداد طویل مدت با جایی ببندد، افزود: بخش قابل توجهی از اقداماتی که در مجموعه مدیریت شهری انجام می‌گیرد، حتی بودجه مصوب خود شورا را نیز دور می‌زند. بدین معنا که یک سری از پروژه‌های غیر مصوب را در قالب پروژه مصوب جا زده و در حال انجام یک‌سری جابه‌جایی‌ها هستند. با وجود تذکرات ما در شورا این روند مکرر ادامه دارد.

این عضو شورای شهر در تشریح بار منفی اقدامات اخیر شهرداری برای مدیران بعد،افزود: این اقدامات اشاره به واگذاری ساختمان‌های اداری

غلامرضا انصاری عضو شورای شهر تهران مدعی شد:

فروش شتاب‌زده املاک شهرداری و انعقاد قراردادهای میلیاردی دقیقه نودی با اشخاص نامعلوم

بار مالی افزوده‌ای برای مدیریت شهری آینده در پی خواهد داشت. با توجه به کاهش چشم‌گیر فروش تراکم و درآمد‌های ناپایدار شهری، ایجاد چنین تعهداتی برای مدیریت آینده مشکل و تهدید ایجاد خواهد کرد. با این شرایط این نگرانی وجود دارد که مدیریت شهری آینده حتی نتواند از پس پرداخت حقوق پرسنل و انجام خدمات شهری جاری هم برآید.

انصاری در ادامه باز هم به ماهیت نامعلوم قرارگاه جهادی امام (رضاع) و روابط اقتصادی نامعلومش با شهرداری اشاره کرد و گفت: تکلیف قرارگاه جهادی که پیش از این در صحن علنی در موردش تذکر دادم، هم هنوز مشخص نشده است و معلوم نشد این قرارگاه بالاخره به کجا وابسته است؟ کل قراردادی که برای واگذاری مراکز بهاران با قرارگاه جهادی امام (رضاع) بستند نیز غیرقانونی بود.

وی ادامه داد: فقط همین مورد هم نیست، ده‌ها قرارداد دیگر هم بسته شده که هرکدام از قراردادهای بالای ۱۷۰ الی ۱۸۰ میلیارد تومان ارزش دارد. با اکثر اعضای شورا در این مورد

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای اعلام کرد:

شایعات درباره انتخاب تک تک اعضای کابینه با نظر رهبری واقعیت ندارد

دولت، موفقیت نظام است، ضعف و ناکارآمدی دولت نیز به حساب نظام گذاشته می‌شود. رهبر انقلاب در مراسم ۱۴ خرداد امسال گفتند: بر طبق قانون اساسی، رئیس‌جمهور از امکانات بسیار گسترده‌ای در کشور برخوردار است؛ خیلی از کارها را می‌توانند انجام دهند، استفاده کنند، ظرفیت‌های داخلی را بالفعل کنند، هیچ درنگی در عمل به وعده‌هایی که به مردم داده شده است، صورت نگیرد. مسئولین را، مسئولان بخش‌های مختلف را – حالا در دولت دوازدهم– جوری انتخاب بکنند که کارکن و فعال و پای‌کار و توانا باشند؛ یعنی توانایی آن‌ها بتواند کارها را ان‌شاءالله پیش ببرد.

اگر خدای نکرده در بخش‌های مختلف –چه اقتصادی و چه غیراقتصادی– یک بخشی از خود در آنها، موجب ایجاد انحراف در حرکت کلان کشور به سمت آرمان‌ها می‌شود و نگهبانی و مراقبت در خصوص حرکت عمومی به سمت آرمانها وظیفه قطعی رهبری است اما در انتخاب مسئولان این وزارتخانه‌ها ورود نمی‌کنند؛ و در خصوص اکثریت کابینه نیز در همه ادوار تا آنجا که از سوابق امر بر می‌آید نظری ابراز نمی‌کنند لکن همواره افرادی است که فکر و ذکر آنان، کار شبانه‌روزی و حل مشکلات مردم باشد.

محسن هاشمی رفسنجانی در برنامه «دست خط»:

قالیباف نباید فقط به سازه می‌پرداخت، مشکل اصلی تهران حمل و نقل است



محسن هاشمی در برنامه دست خط شبکه پنج سیما گفت: نقطه ضعف قالیباف، اولویت‌بندی او روی ساخت بزرگراه‌ها است در حالی که رفع آلودگی هوای تهران نیازمند توجه حداکثری بر حمل و نقل عمومی است.

همچنین وی بدهی شهرداری تهران را حدوداً ۲۰ هزار میلیارد تومان بیان کرد. او افزود: فساد گسترده‌ای در شهرداری وجود دارد، همچون کارچاق‌کنی و گرفتن زیرمیزی‌ها که با شفاف شدن امور و مکانیزه شدن فرآیندها این مشکل برطرف می‌شود.

هاشمی تصریح کرد: تنها دوره‌ای که هماهنگی میان شهرداری و دولت وجود داشته، زمان مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی و آقای کرباسچی بوده

E-mail: mostagheldaily@gmail.com

احمد منتظری با انتشار نامه‌ای بررسی و رسیدگی وضعیت محصورین را خواستار شد وی نوشته: پیرو کسالت‌جناب حجه الاسلام والمسلمین آقای کروبی و جناب آقای مهندس موسوی ضمن تماس با فرزندان آن عزیزان احوال‌پرسی کردم. با کمال تأسف پدیده حصر بدون محاکمه در کشور ایران مرسوم شده و ضربه جدی به اعتقاد مردم و حیثیت نظام جمهوری اسلامی وارد نموده‌است. اگر جرمی اتفاق افتاده است باید در دادگاه صالحه بررسی گردد و برای متهم حق دفاع محفوظ باشد.وارد کردن اتهام به یک شخص و محکوم کردن او و اعمال مجازات بدون حق دفاع در شأن حکومتی با نام جمهوری اسلامی نیست.

مردم از اعمال رهبران خود التگو می‌گیرند و چه با همین رفتار و قضاوت یکطرفه آنان موجب شود تا هر کس رفتار دیگری را قبول ندارد او را مجرم بداند و مجازات نماید.

امیدوارم هرچه زودتر این سه بزرگوار که از سرمایه‌های این کشور هستند آزاد گردند. والسلام.احمد منتظری ۹۶/۵/۵

سیاسی

یادداشت روز

مطالبات اجتماعی، انتخابات و چینش کابینه

امیرمق‌دور شهوود– دبیر سرویس سیاسی

در چند روز گذشته اخبار متفاوتی در جامعه منتشر گردید که اگرچه در ظاهر ارتباطی با هم ندارد اما با اتخاذ رویکردی خاص می‌توان رابطه این اخبار با یکدیگر را شناسایی کرد.

اخبار مد نظر عبارت است از: چینش کابینه توسط رئیس جمهور، ماجرای عکسهای آزاده نامداری و اخبار تلخ و تکان دهنده مرگ آتنا و بنیتا. در ذیل ارتباط این سه خبر بررسی می‌شود.

انتخابات یک فرایند است. فرایندی که تمامی مشخصات دیالکتیکی را به همراه خود دارد.

در دیالکتیک هر نهاده‌ای سعی دارد در مقابله با دیگری و با رد و انکار دیگری خود را باز شناسد. مادام که دیگری وجود داشته باشد، احراز هویت برای نهاد امکان پذیر است. بنابراین حذف دیگری نمی‌تواند تداوم هویت را فراهم سازد.

به همین دلیل «خود» و «دیگری» در ظرف بزرگتری در کنار یکدیگر هویت هم را باز تولید می‌کنند. فرد در فرایند دیالکتیک با دیگر افراد جامعه به ظرف بزرگتری بنام جامعه پای می‌نهد.

مادامی که جامعه بر پا بوده و فرد در کنار دیگران بتواند بر حضور خود آگاهی داشته و به دیگران باز شناساند، جامعه پویا متداوم و پابرجاست. بدیهی است با کاهش این توانایی امکان تداوم جامعه کاسته شده و مرگ تدریجی آن فرا می‌رسد. اگر در رویارویی نهاده‌ها با یکدیگر هویت «خود» و یا «دیگری» به رسمیت شناخته نشود نه تنها برای نیل به این هدف به رویه‌های مختلف رجوع می‌شود، بلکه ممکن است که بستر حضور با دیگران نیز انکار می‌گردد. فردی که در اجتماعی از انسانها به رسمیت شناخته نمی‌شود کلیت اجتماع را به چالش می‌کشد.

جامعه سیاسی فضایی است که جامعه انسانی و حکومت با یکدیگر در آن زندگی می‌کنند. دیالکتیک میان جامعه انسانی با حکومت راه دستیابی به هویت و رسمیت هر دو است.

جامعه در مواجهه با حکومت خود را باز می‌شناساند و حکومت نیز در مقابل جامعه. مادامی که هویت این دو در جامعه سیاسی احراز و به رسمیت شناخته شود، هنجارهای سیاسی و اجتماعی از قوام لازم و تداوم برخوردار است. انتخابات یکی از روش‌های رویارویی جامعه با حکومت است. افرادی که در پای صندوق رای حاضر می‌شوند به دنبال کسب هویت خود هستند.

این مختص ایران نیست. در همه جای جهان جامعه برای معرفی و شناساندن خود سعی می‌کند به مقابله با حکومت رود. اگر در فرایند انتخابات هویت جامعه شناخته گردید قطعاً نیاز و مطالبه جامعه پاسخ مناسبی دریافت کرده و با ارضای حس خود شناسی هنجارهای موجود و نظم سیاسی حاکم بر آن جامعه حفظ می‌گردد.

در اینجا مربوط به چینش کابینه در کنار مطالبات اجتماعی به زد و بندها و به بستنانهای سیاسی اشاره می‌شود. حکومت اگر در چینش کابینه به مطالبات اجتماعی توجه نکند عملاً دیالکتیک میان جامعه و حکومت را با چالش مواجه کرده و هویت جامعه را به رسمیت نشناخته‌است. این عدم رسمیت هویت جامعه دو نتیجه را در پی خواهد داشت.

۱- فرو پاشی نظام معنا بخش حکومت

همانطورکه گفته شد در دیالکتیک انتخابات اگر هویت جامعه به رسمیت شناخته نشود رویه‌های دیگری برای نیل به این مقصود دنبال می‌شود. یکی از این رویه‌ها تعرض به بنیانهای معنابخش حکومت است. جمهوری اسلامی در طول عمر خود همواره بر دو موضوع تأکید داشته و وبا آن‌ها به معنا سازی نظام خود مبادرت کرده است. اول: ارجحیت تعهد بر تخصص و دوم: شریعات دینی. زمانی که هویت جامعه از سوی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته نشود این دو عنصر از سوی جامعه به چالش کشیده می‌شود. به نوعی بازی جاری در فرایند انتخابات جای خود را به تخریب ، تخطئه و هنجار شکنی می‌دهد. مصداق بارز این رویه پدیده ای است بنام آزاده نامداری که در چند روز گذشته در صدر اخبار ایران جای گرفته است. برای کسی مهم نیست که پوشش آزاده نامداری و طرز لباس پوشیدن وی چگونه است.

اما جامعه برای احراز هویت خود و قبولاندن وجودش به حکومت از هر ابزاری سود می‌جوید. «نامداری» که از نسوی جمهوری اسلامی به عنوان زنی با پوشش برتر معرفی شده با انتشار عکس و فیلمهایش در خارج از کشور امکان به چالش کشیدن همان دو اصل معنا بخش را فراهم کرده است. از سویی نشان می‌دهد که تعهد در جمهوری اسلامی یک بازی و ظاهر سازی صرف است و ظاهر و باطن عوامل جمهوری اسلامی با یکدیگر در تضاد است. از نسوی دیگر قوانین شرعی از سوی نمادها، عناصر و عوامل این نظام نیز چندان جدی گرفته نمی‌شود.

۲- فروپاشی اخلاق اجتماعی و آتنا

همانطور که گفته شد اگر جامعه انسانی در دیالکتیک با حکومت به رسمیت شناخته شود امکان تداوم جامعه سیاسی وجود دارد. در غیر این صورت ممکن است افراد، جامعه خود را از پتانسیل لازم برای احراز هویت فردی تهی دیده و کلیت جامعه را انکار کنند و این یعنی فروپاشی اخلاق اجتماعی. در چند روز گذشته به غیر از آزاده نامداری ، دختران دیگری در صدر اخبار ایران قرار داشتند. «آتنا» و «بنیتا» از جمله آن‌ها هستند. هر دو کودک قربانی فروپاشی اخلاق اجتماعی هستند.

افرادى که خود را متعلق به جامعه احساس نکنند در مقابل دیگران نه تنها مسئولیت نداشته بلکه کنششی توأم با سنگ دلی و وقاحت بروز می‌دهند. جامعه ایران با خطر فروپاشی اخلاق اجتماعی روبرو شده است. بدون شک یکی از دلایل این فروپاشی را باید در عدم احراز هویت و رسمیت جامعه از نسوی حکومت جمهوری اسلامی دانست.

بنابراین از ریاست محترم جمهوری در خواست می‌شود که بیش از پیش به مطالبات اجتماعی توجه کرده و در چینش کابینه این مهم را در صدر مقتضیات امر قرار دهد.